

بازاندیشی سیاستهای خاورمیانه

فاصله بین دو جنگ اهمیت فراوان یافت. چنان که دستیابی و تسلط بر نقاط و منابع استراتژیک آن از دیدگاه متفقین و متحدین در خلال دو جنگ جهانی و بویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم از دیدگاه دو ابرقدرت شرق و غرب اهمیتی حیاتی یافت. خاورمیانه منطقه‌ای با تمدنهای عظیم و بسیار کهن و سرنوشت ساز برای تمدن بشری محسوب

Bromley, Simon. *Rethinking Middle East Politics*. Austin: University of Texas Press, 1994, 203 pp.

می شود. خاورمیانه نه تنها مهد تمدنهای اولیه بشری، بلکه محل ظهور و توسعه ادیان بزرگ الهی - بویژه دین مبین اسلام - است. منطقه، محل پیدایش و گسترش امپراتوریهای بزرگی همچون ایران و عثمانی بوده است. در این منطقه انواع نژادها،

منطقه خاورمیانه به دلیل موقعیت ویژه استراتژیک و ژئوپولیتیک آن از ابتدای قرن بیستم تاکنون، همواره مورد توجه و کشاکش قدرتهای وقت بوده است. این منطقه، بویژه در خلال دو جنگ جهانی و

فرهنگها، زبانها و گویشها، گرایشهای سیاسی - اجتماعی و بالاخره حکومتها شکل و قوام گرفته است. به همین دلیل، خاورمیانه محل انواع تضادها و ناهمگونیها و طبعاً درگیریها و کشاکشهاست.

ویژگیهای یاد شده - بویژه در قرن بیستم - باعث ایجاد انگیزه های قوی پژوهشی و مطالعاتی درباره مسائل گوناگون خاورمیانه از سوی پژوهشگران بومی و غیر بومی شده است. در این میان، پرداختن به مسائل گسترده و پیچیده سیاسی از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. چنان که با وجود تدوین و انتشار هزاران عنوان پژوهش در زمینه های سیاسی، اجتماعی و تاریخی قدیم و جدید منطقه، هنوز سؤالات و پیچیدگیهای زیادی در درون آن نهفته است که باید مورد پاسخگویی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند. در همین راستا و بنا به ضرورت پرداختن به مسائل پژوهشی منطقه است که «سیمون بروملی» از جمله خیل پژوهشگران خارجی است که به بخشی از مسائل سیاسی - اجتماعی منطقه با عنوان: «بازاندیشی سیاستهای خاورمیانه» پرداخته است. وی مدرس اقتصاد سیاسی بین الملل در گروه علوم سیاسی دانشگاه «لیدز» انگلستان است.

پژوهش و کتاب حاضر بنا به نوشته نویسنده، حاصل همزمانی روند عدم انطباق فکری وی با تجزیه و تحلیلهای افراطی سیاستهای خاورمیانه توسط تحلیل گران دیگر در زمان وقوع جنگ دوم خلیج فارس (حمله عراق به کویت) و بنابر این لزوم پرداختن به سیاستهای منطقه با نگرشی نوین می باشد. نویسنده به این اعتقاد می رسد که با توجه به روند تغییر و تحولات منطقه ای، «بازاندیشی» درباره مسائل سیاسی خاورمیانه امری بسیار ضروری و اجتناب ناپذیر است. با توجه به هدف نویسنده، کتاب حاضر روش معمول منابع دیگر را که عمدتاً به ارائه و دسته بندی مسائل و مشکلات منطقه ای پرداخته و از نظریه پردازی غافل می شوند، دنبال نمی کند. بلکه با عنایت به مسائل اساسی و روند تاریخ منطقه، اقدام به نظریه پردازی در زمینه های سیاسی - اجتماعی خاورمیانه نموده، که به جای خود ارزشمند است.

بحث‌های اصلی مطرح شده، دو بعد را مدنظر داشته‌اند. در بعد اول، نویسنده زنجیره‌ای از بحث‌ها و مسائل مربوط به ویژگی‌های تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در خاورمیانه را به منظور ارائه و تعریف یک برداشت جدید مطرح می‌کند. بحث‌های مذکور شامل دو جنبه نظریه‌پردازی‌های عمومی منطقه، و نیز بررسی نمونه‌های ویژه سیاست‌های خاورمیانه می‌شود. سیمون بروملی تلاش کرده است مروری جامع بر اندیشه‌ها و تفکرات گوناگون مربوط به مسائل سیاسی - اجتماعی خاورمیانه داشته باشد. گزیده بحث‌ها - بنا به نوشته نویسنده - تحت تأثیر دو دیدگاه بوده است. اول، احساس نویسنده از سنت‌های روشنفکرانه حاکم بر نوشته‌ها و کارهای دانشگاهی معاصر راجع به خاورمیانه که در غرب انجام گرفته است. دوم، ایفای نقش و ادای سهم نویسنده در پاسخ دادن به مسئله محوری و اساسی روند «شکل‌گیری دولت» در خاورمیانه. به عقیده وی، متون تدوین شده مربوط به مسائل خاورمیانه که بر پایه نظریه‌های نوگرایی و وابستگی شکل گرفته است، کمک چندانی

به درک و فهم خاورمیانه نمی‌کند. به دنبال بعد اول، بعد دوم مزبور عبارت از تمرکز بر سیپها و مطالعات بر امر نظریه‌پردازی مربوط به رابطه بین روند شکل‌گیری دولت و تحولات سرمایه‌داری در جهان نو و خاورمیانه معاصر می‌باشد. در این راستا، کتاب حاضر سعی کرده است که مسائل محوری مربوط به تجزیه و تحلیل‌های سیاسی خاورمیانه را با استفاده از جستجو و کنکاش در ماهیت شکل‌گیری دولت در منطقه به شکلی تازه صورت‌بندی کند. به همین دلیل، نویسنده در خلال فصل‌های کتاب، آن دسته از متغیرها و عواملی را که به نحوی با هدف یاد شده مرتبط بوده، مورد تجزیه و تحلیل و بازنگری قرار داده است.

در کتاب حاضر، تلاش نویسنده این بوده است که یک بازاندیشی راجع به سیاست‌ها و تحولات اجتماعی اقتصادی خاورمیانه انجام گرفته و ضمناً برخی از مباحثی که به نحوی مربوط به درک و فهم تحولات اجتماعی دنیای جدید و نیز خاورمیانه می‌شود، مورد شناخت بیشتر قرار گیرد. در این راستا، «بروملی» زنجیره‌ای

از مباحث مربوط به تحولات سیاسی و اقتصادی - اجتماعی در خاورمیانه را مورد مطالعه قرار می‌دهد. وی چارچوب جامعی مبتنی بر یک رشته بررسی‌های مربوط به روند تحولات کلیدی در کشورهای ترکیه، ایران، عراق، مصر و عربستان سعودی را ارائه می‌کند و در همان حال یک رشته نظریه‌های اساسی را دربارهٔ وضعیت دموکراسی و اسلام در منطقه مطرح می‌کند که قابل توجه است. بروملی با برشمردن جزئیات روابط ویژهٔ اجتماعی حاکم بر روند تغییر و تحولات منطقه‌ای و نیز از طریق بررسی الگوهای بازآفرینی و تحولات و دگرگونی ویژهٔ منطقه و بالاخره تأکید بر ویژگی تاریخی اختصاصی مازاد درآمدها، بحث‌های خود را شکل‌دهی و قالب‌ریزی می‌کند. به عقیدهٔ نویسنده، چنین خط‌مشی و برداشتی است که می‌تواند پیچیدگی‌ها و نقاط ابهام تحولات و دگرگونی خاورمیانهٔ جدید را برای ما روشن و شفاف سازد. به نظر نویسنده، با استفاده از این روش، خواننده بهتر و کامل‌تر از روش تأکید بر خصوصیات فرهنگی یا نهادی منطقه‌ای، می‌تواند ابعاد کلیدی خاورمیانه را بازشناسی کند.

کتاب «بازاندیشی سیاست‌های خاورمیانه در پنج فصل و یک فصل استنتاجها تنظیم و تدوین شده است. سرفصل‌های آرایه شده به ترتیب عبارتند از: ۱) شناخت و درک خاورمیانه، ۲) از امپراتوری‌های خراج‌گذار تا نظام دولتها، ۳) بازاندیشی سیاست‌های خاورمیانه، ۴) شکل‌گیری دولت تطبیقی در خاورمیانه، ۵) نمونه‌های توسعهٔ اجتماعی در خاورمیانه، و بالاخره فصل استنتاجها.

در فصل اول کتاب (شناخت و درک خاورمیانه)، برخی از بحث‌های بنیانی و نظری مربوط به منطقه که در نهایت به شناخت و فهم بیشتر و بهتر خاورمیانه و طبعاً زمینه‌سازی بحث‌های بعدی کتاب کمک می‌کند، ارائه شده است. در این فصل، نویسنده دو سنت متفاوت و جاری مربوط به تجزیه و تحلیل مسائل خاورمیانه را مرور کرده و در همان حال کوشیده است تا خط‌مشی سوم و جانشینی را نیز مورد استفاده قرار دهد. خط‌مشی و برداشت اول عبارت است از اعتقاد «فرهنگ‌گراها» مبنی بر این که «اسلام» ویژگی‌های منحصر به فردی

به خاورمیانه بخشیده است. برداشت دوم عبارت است از جریان اصلی نظریه اجتماعی مبتنی بر نظریه های جامعه شناسی «ماکس وبر» به عنوان برداشت، و خط مشی سوم در برابر دُوروش یاد شده. سیمون پروملی (نویسنده) می گوید که ماتریالیسم تاریخی راه بهتری را برای مطالعه خاورمیانه فراهم می کند، زیرا باعث می شود تا ما هم از بحثهای پایه ای درباره فرهنگ اجتناب کنیم (!) و هم به فراسوی ماهیت تطبیقی و توصیفی جامعه شناسی «ماکس وبر» برسیم. اما به نظر می رسد که نویسندگان در اینجا دچار یک اشتباه بزرگ شده است، زیرا پایه و مبنای بسیاری از مسائل و تغییر و تحولات اجتماعی سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه را فرهنگ و اعتقادات اسلامی تشکیل می دهد. مصداق این امر، بویژه تحولات سیاسی - اجتماعی خاورمیانه در سه دهه اخیر است که عمدتاً مبنای فرهنگی - اسلامی دارد. برخی از زیرفصلهای مهم فصل اخیر عبارتند از: سه راه شناخت جهان غیر اروپایی، اسلام و نوگرایی، ناسازگاری تمدن اسلامی، اسلام

در راه معقولیت؛ ماکس وبر، تعقل و اسلام؛ ماتریالیسم تاریخی و خاورمیانه، مارکس در نقش نوگرایی؛ امپراتوری خراج گذار، چادرنشینی، و دولت قبیله ای؛ سه نوع اسلام؛ و خاورمیانه و نوگرایی.

بر مبنای بحثهای پایه ای فصل قبلی، نقش فصل دوم توصیف و تبیین مسائل و مشکلات داخلی خاورمیانه و مشارکت و وابستگی اجباری و استثماری آن بر دنیای سرمایه داری و در نهایت استعمار خاورمیانه است! در این زمینه، نویسنده با تجزیه و تحلیل برخی مسائل سعی می کند ماهیت مشکلات و بحران در خاورمیانه را آشکار کند. از جمله مسئله عدم وحدت و همگرایی امپراتوری عثمانی، روند توسعه طلبی و استعمار اروپا - بویژه انگلستان - در منطقه، تحول مسئله شرق، جنگ جهانی اول و طرح کشورهای امپریالیستی و شکل گیری کشورهای ملی گرا بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی اول، و بالاخره مسائل عربستان، خلیج فارس و ایران مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرند.

در فصل سوم با عنوان «بازاندیشی

سیاستهای خاورمیانه»، سیاستهای خاورمیانه جدید و دوران شکل گیری دولتها - بویژه پس از جنگ جهانی اول - مورد بحث قرار می گیرد. به منظور تعریف و تبیین ماهیت شکل گیری دولت در منطقه، تعدادی از برداشتها و نظرات موجود راجع به سیاستهای خاورمیانه، نقادانه مرور شده و نیز ابعاد اصلی محیط و جو بین المللی روند مذکور تصویر شده است. در این راه، نویسنده اقدام به صورت بندی و به ضابطه در آوردن مباحث و خط مشیها برای انجام بررسیهای اساسی خود کرده است. در این فصل؛ اسلام، نفت و جهان سوم؛ اسلام و دولت، ویژگیهای «دولت بهره مند» (دارای درآمد همیشگی) و نفت؛ موقعیت خاورمیانه در جهان سوم، نظریه پردازی شکل گیری دولت، بافت بین المللی توسعه در خاورمیانه، و بالاخره رقابتهای درون دولتی و جنگ در منطقه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

در فصل پنجم، مباحث نظری و پایه ای قبلی به شکل سازمان یافته و تطبیقی، ابعاد اصلی شکل گیری دولت و «توسعه وابسته» در کشورهای کلیدی

خاورمیانه نظیر ترکیه، مصر، عراق، عربستان سعودی، و ایران را مورد بررسی قرار می دهد.

در فصل پنجم، نویسنده برخی از مسائل کلیدی خاورمیانه را تجزیه و تحلیل و جمع بندی می کند و برخی از نمونه های اصلی تغییر و تحول در منطقه را به منظور بررسی مجدد سه مقوله اصلی و علمی منطقه ای مورد مطالعه قرار می دهد.

از جمله، مباحث شکل های مختلف دولت و دموکراسی، ماهیت اقتصاد سیاسی منطقه و نمونه های آن، و بالاخره جایگاه اسلام در جوامع خاورمیانه و نیز نقش و موقعیت ملی گرایی عرب و ارتباط آن با اسلام مورد بحث قرار گرفته اند. در پایان فصل، یک جمع بندی کلی همراه با دورنماهای خاورمیانه با تأکید بر مسئله «بحران دولت» در منطقه تصویر شده است. ضمناً درباره چارچوب کلی پژوهشی مورد استفاده پژوهشگر و پیش بینی توسعه و استفاده از آن در پژوهشهای آینده، پیشنهادهایی ارائه شده است.

نویسنده اعتقاد دارد که وی در کتاب

خود نه اقدام به تاریخ‌نگاری صرف کرده، نه به یک برخورد تطبیقی یا موضوعی با سیاست و حکومت در خاورمیانه پرداخته، و نه حتی تنها اقتصاد سیاسی منطقه را بررسی کرده است. بلکه تلاش کرده است که تعدادی از مقوله‌ها و بحث‌های مناسب و مطرح، مربوط به مباحث یاد شده را - که اندیشمندان دیگر مطرح کرده‌اند - مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. نکته قابل توجه در کتاب حاضر این است که برخلاف روال معمول در نگارش کتاب‌های

مربوط به خاورمیانه، مسائل: «منازعه اعراب و اسرائیل» و «یا جنگ‌های اخیر منطقه خلیج فارس (جنگ ایران و عراق، و حمله عراق به کویت و اشغال آن کشور) مورد بحث و بررسی قرار نگرفته‌اند! چنان که نویسنده،

خود نیز آگاهانه بدان واقف است و می‌گوید: «اعتقاد دارم که تجزیه و تحلیل حاضر از نظر ارزیابی مجدد این گونه مسائل با مشکلات قابل توجهی روبرو بوده است، ولی [در عین حال] این کتاب جای بحث مقوله‌های یاد شده نبوده است. در عوض، تلاش کرده‌ام که سیاستها و امر توسعه در منطقه را در یک

بیژن اسدی
دانشگاه شهید بهشتی

